



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۰۴/۱۹/۲۰۲۲

محمد صالح گردش

## ریشه و معنی کلمه اوستا<sup>۱</sup>

اوستا کتاب دینی زردشتیان در ادبیات نوشتاری زبان پارسی به هیئت های زیر نیز آمده است: «ابستا» بفتح همزه و کسر باء و سکون سین تفسیر زند و ستاوند است اعنی صحف ابراهیم. خسروانی گفت: چو گلبن از بر آتش نهاد عکس افکند- بشاخ او بر، دراج شد ابستا خوان (صحاح الفرس)

استا: کتب گیرانست. حکیم خاقانی گفت: اگر قیصر سگالد راز زردشت- کنم زنده رسوم زند و استا (صحاح الفرس، زیر دو کلمه ابستا و استا) همین گونه فردوسی نیز گوید: نهادند سر سوی آتشکده- بدان کاخ و ایوان زر آزده همه ژند و استا برافروختند- همی کاخ و ایوان همی سوختند این که زردشت، حضرت ابراهیم (پدر پیامبران سامی) بوده باشد، کسانی چون حضرت حافظ به چنین باور بوده اند، چنان که در این بیتش:

به باغ تازه کن آیین دین زردشتی- کنون که لاله برافروخت آتش نمرود  
ر. کب: ( حافظ، شاعر مداح و طماع. ص ۷۹ همین قلم)

ولی بیشتر و تا امروز کتاب مقدس زردشتیان به هیئت «اوستا» (فتح همزه کسر واو و سکون سین) گفته و نوشته می شود و این کتاب بیشتر به همین نام در میان مردم شهرت دارد.

یکی از کلمه های پهلوی که توجهام را با ارتباط کلمه اوستا به خود جلب نموده و به پندار من ریشه کلمه اوستا خواهد بود، کلمه «افدستا» است و این کلمه باری در یکی از ابیات دقیقی آمده است.

کلمه افسستا در صحاح الفرس چنین معنا گردیده است:

افدستا به فتح هـ و سکون فاء و کسر دال کلمه پهلویست. «افد» شگفت بود و «ستا» ستایش و معنی کلمه ستایش خداوند جل جلاله و عم نواله بود. دقیقی گفت، بیت:

جز از ایزد توام خداوندی- کنم از دل بتو بر، افسستا

کلمه افسستا در لغت نامه دهخدا نیز، ستایش عجب و نیکو ترین ستایش و حمد خدای عزوجل معنی شده است که بر علاوه بیت بالا از دقیقی یک بیت دیگر نیز شاهد آورده شده است:

نکردم شیخ را آنجا سلامی چون شدم دوچار  
که افسستای پیر دیر خود ورد زبانم بود

همچنان در لغت نامه دهخدا این کلمه حمد و ستایش نیز معنی گردیده که بیت زیر از شمس فخری شاهد آورده شده است:

بر این کتاب اعانت نمود طبع مرا- که جمله بنگی شاه راست افسستا  
(لغت نامه دهخدا ذیل کلمه افسستا)

به نظر من جزء اول کلمه افسستا که «افد» باشد با کلمه هفت، عددی که در بین دو عدد شش و هشت قرار دارد، رابطه خواهد داشت. حالا یک کمی در باره عدد هفت می نویسیم و بعد نتیجه می گیریم که چگونه کلمه افسستا به معنی ستایش خداوند و یا ستایش شگفت است.

در باره شگفتی ها و ویژگی های عدد هفت در لغت نامه دهخدا چنین آمده است:

«... از میان اعداد شماره هفت از دیر باز مورد توجه اقوام مختلف جهان بوده، اغلب در امور ایزدی و نیک و گاه در امور اهریمنی شر به کار میرفته است. وجود بعضی عوامل طبیعی مانند تعداد سیاره های مکشوف جهان باستان و همچنین رنگهای اصلی، مؤید رجحان و جنبه ماوراء طبیعی این عدد گردیده است. قدیمترین قومی که به عدد هفت توجه کرده قوم سومر است، زیرا آنان متوجه سیارات شدند و آنها را به صورت ارباب انواع پرستیدند. عدد هفت در مذاهب و تاریخ جهان، در تصوف و در سنن و آداب اهمیت زیاد داشته و شماره بسیاری از امور و مواضع هفت بوده است مانند: هفت

طبقه زمین، هفت طبقه آسمان، ایام هفته، هفت فرشته مقدس در نظر بنی اسرائیل، هفت بار طواف بر گرد کعبه در دوره جاهلیت، هفت پروردگار آریایی نزد هندوان قدیم، هفت امشاسپند در مذهب زردشت، تقسیم جهان به هفت کشور یا هفت اقلیم، اعتقاد به هفت مقام و درجه مقدس در مهر پرستی، هفت ایزد در مذهب مانوی، هفت در و هفت طبقه دوزخ در قرآن، هفت شباروز بالای قوم عاد، هفت گاو فربه و هفت گاو لاغر که فرعون به خواب دید، هفت عضوی که در سجد باید بر زمین باشد، هفت بار تطهیر در قوانین طهارت، مراتب هفتگانه در مذهب اسماعیلیه، هفت شهر عشق و هفت مردان در تصوف، همه اینها و بسیاری موارد دیگر که در افسانه های دیرین و سایر شئون تمدنی بشر دیده شده است، نشانه اهمیت فوق العاده عدد هفت در نظر اقوام مختلف جهان است.» ( لغت نامه دهخدا، اقتباس و اختصار از رساله «شماره هفت و هفت پیکر نظامی» از محمد معین.)

هم چنان «هفت خوان رستم» شاید هم «هفت خان» که در شاهنامه ها و کتب داستانی آمده است، راهی بوده که رستم با اسفندیار به خاطر رهایی دو دختر گشتاسب از دست ارجاسب تورانی تا رویین دژ پیمودند. عدد هفت در ترکیب اسم این داستان نیز موجود است. امیر معزی یکی از شعرای متقدم گوید:

اگر چه نرفت از ره هفتخوان- بجز رستم و پهلوانی دگر

ز تو هر هنر رستمی دیگر است- ز تو هر اثر هفتخوان دگر

حتا شاهان باستانی چون هخامنشیان و اشکانیان نیز در تظاهر خود به خاطر تقدیس، به نحوی عدد هفت را در نمود های خود باز تاب نموده اند. به طور مثال:

اشکانیان هم مانند هخامنشیان، در قلمرو خود شش خاندان را بزرگ می شناختند، به طوری که باز هم، همچون اهوره مزدا که شش امشاسپند در آسمان دارد، شاه ایرانیان نیز شش حامی بر روی زمین داشت. ر.ک: (زردشتیان... ص ۱۱۶)

قسمی که دیده و دانسته می شود رقم خوردن بعضی مظاهر بزرگ و شگفت طبیعی با عدد ۷، سبب توجه و حتی سبب تقدیس این عدد از گذشته های دور در میان ملت های قدیم بشری شده است، که بعداً ادیان بزرگ نیز بعضی مظاهر ماوراءطبیعی را به این عدد نسبت داده که بیشتر سبب تقدیس این عدد گردیده است. عدد ۷ در مذهب مهر «هفت خان»، در هندوئیسم، «هفت مرد بزرگ مقدس» در آئین زردشتی، شش امشاسپند که جمع با اهورامزدا، هفت می گردد. این آیین ها همه از قدیم ترین مذاهب بشری اند که تقدس و حرمت به عدد هفت به نحوی در آن ها منعکس و بازتاب شده است که بعداً این عدد طرف توجه پیروان مذاهب پسین نیز قرار گرفته است. عدد هفت در آئین اسلام نیز مقدس است؛ زیرا شش ملک مقرب جمع با خدای متعال عدد هفت را تکمیل می سازد.

تجلیل نوروز با هفت میوه و در بعضی مناطق با هفت سین نیز ریشه به حرمت و اهمیت این عدد در مناسک و رسوم ما دارد.

بنابراین به نظر این قلم کلمه افسستا که یکی از کلمه های پهلوی ست، به معنی «هفت ستایش» بوده است. از آنجایی که پارت ها در ابتدا پیرو مذهب مهر و معتقد به هفت مقام و درجه مقدس در آن مذهب بوده اند، این معنی می رساند که در مذهب مهر (میترائیسم) هفت مقام حائز حرمت پیروانش بوده است. زبان پهلوی که با زبان پارسی بسیار نزدیک و خویشاوند و حتی می توان گفت که تداوم زبان پهلوی، پارسی امروزی است، آن زبان منسوب به زبان پارت هاست. پارت های اشکانی بعد از شکست و راندن بقایای یونانی از این حوزه جغرافیایی، مدت ۴۷۵ سال را در سرزمین های امروزی ایران، افغانستان، بین النهرین، آذربایجان، ارمنستان و قسمتی از هند و آسیای صغیر حکومت کردند. تاریخ پرشکوه پارت ها در این سرزمین ها آن قدر درخشان و پرشکوه بوده است که رضا شاه (شاه ایران) اسم خانوادگی ش را «پهلوی» گذاشت که منتسب به قوم و ملت قدیم پارت بود. اقوام پارت و سورن های قدیم که از یک طایفه و نژاد بودند، به نظر من یک شاخه دیگر آن ها پارس ها بوده اند که در زمان های پیش از اشکانیان در سرزمین پارس سکنی گزین گردیدند و امپراتوری هخامنشیان را همان سلسله در سرزمین پارس پایه گذاری نمودند و در این راستا شواهد و نشانه های قابل توجهی موجود است که در یکی از نوشته های دیگر به آن خواهم پرداخت. از همین جاست که زبان های پارسی کهن، اوستایی و پهلوی با هم خویشاوند و قریب اند. اخلاف پارت ها و سورن های قدیم، دو شاخه از قوم پهلوان ها و سوری های امروزی اند که از دیرگاهی ست این طایفه مردم را به نام ایماق می نامند.

نتیجه این که کلمه افسستا اگر در لغت نامه صحاح الفرس و دیگر لغت نامه ها، ستایش شگفت معنی گردیده است درست و بجاست، فقط با یاد کرد این موضوع که ستایش با عدد ۷ که عدد شگفت است رابطه داشته است.

پس کلمه اوستا که اسم کتاب مقدس زردشتیان بوده است با کلمه افسستا رابطه دارد و به احتمال زیاد این دو کلمه از یک ریشه و سرچشمه خواهند بود. به نظر می رسد که کلمه افسستا نظر به کثرت استعمال در میان پیروان آیین های کهن به ویژه پیروان آیین مهر به تدریج تحول نموده و حرف دال به مرور زمان از تلفظ افتاده و «افستا» شده است و بعداً حرف ف به حروف «ب» و «و» تبدیل گردیده و شده است، ابستا و اوستا. قسمی که در یکی از آثار قبلی ام (آرامگاه مهر) نوشته ام، مذهب زردشتی از بطن مذهب مهر زاده شده است که یکی از پیوند های این دو مذهب در اسم «اهورامزدا» (هورمزد، اورمزد) خدای یگانه در مذهب زردشتیان است. «هور» که در زبان پهلوی خورشید را می گفتند و در زبان پارسی «خور» شده است. پس مهمترین وجه اشتراک این دو مذهب در اسم خدای یگانه زردشتیان بوده می تواند، و یکی دیگر از اشتراکات عقیدتی زردشتیان با پارت های پیرو مهر را می توان در وجه اشتراک دو کلمه افسستا و اوستا نیز در نظر گرفت

که به احتمال زیاد کلمه اوستا شکل متحول و تغییر یافته کلمه افسستا خواهد بود. از آن جا که هفت مقام در مذهب مهر مورد توجه بوده است، این حرمت گزاری در دین زردشتی نیز تداوم یافته است و آن عبارت است از اعتقاد زردشتیان به شش امشاسپند (فرشته)، و آن شش فرشته بزرگ عبارت اند از: بهمن، اردیبهشت، شهریور، اسپندارمذ، خرداد و امرداد که در رأس آن‌ها اهورامزدا قرار دارد. در دین زردشتی، حقیقت شش امشاسپند همان او صاف شش گانه خدای یگانه است که آن شش صفت جمع با «اهورامزدا» (خدای یگانه) عدد هفت را تکمیل می‌نماید. هم‌چنان باور زردشتیان به تقسیم جهان به هفت کرشور (کشور) و یا هفت اقلیم نیز تقدیس و حرمت این عدد را در آن آیین بازتاب می‌دهد. پس اوستا اسم کتاب مقدس زردشتیان، شکل تحول یافته کلمه افسستا پهلوی خواهد بود و به این صورت کلمه اوستا در حقیقت یکی از کلمه های پهلوی است. در این جا باید یکبار دیگر اشاره و تأکید به نقش قوم و طایفه‌ی بهنام ایماق در سهم ایجاد تمدن های قدیم مهر و اوستایی یادو تمدن پیشدادیان (پیشزادگان) و کیانیان که وضع هر دو تمدن تا حال در هاله‌ی از اسطوره قرار دارد، نمود. از یک نگاه دیگر نمی‌شود تا ادوار پیشزادگان و کیانیان را به‌طور کل اسطوره دانست زیرا آن ادوار کتباً در کتاب قدیم اوستا که سند معتبر تاریخی است، نوشته شده و به ما رسیده است. چنان‌که در نوشته های قبلی‌ام نیز اشاراتی داشته‌ام در همان تمدن های اولیه نیز رد پای اسلاف قوم امروزی بهنام ایماق را می‌توانیم پی بگیریم، مردمی که دیگران با وارونه نشان دادن تاریخ می‌خواهند آن افتخارات را به قوم و ملیت متعلق و منتسب به‌خود شان مربوط و منوط سازند. ر. ک: (آریاوچ، سرزمین کهن. صص ۸۵-۱۱۵ همین قلم)

یکی از دلایل در رابطه به معنی کلمه اوستا که هفت ستایش باشد، هفتن یشت است و هفتن یشت بخشی از اوستاست. در اوستا دو هفتن یشت وجود دارد، یکی هفتن یشت بزرگ و دیگر هفتن یشت کوچک. هفتن یشت در ستایش سپننه مینو و امشاسپندان است. این یشت که بخشی از اوستاست، در آن عدد هفت وجود دارد که همش در ستایش امشاسپندان است.

یکی دیگر از تشابهات مذهبی دو آیین مهر و زردشتی را می‌توان به حرمت و تقدیس منابع نوری، به ویژه خورشید و در مذهب زردشتیان، هم خورشید و هم نور و آتش پی‌گیری نمود. ر. ک: (آرامگاه مهر صص ۴۱-۴۰ همین قلم) پس، به اساس این همه حرمت و احترامی که عدد هفت در اعتقادات مردم قدیم این حوزه تمدنی داشته است، به‌باور من کلمه اوستا همان شکل تغییر یافته و متحول کلمه افسستا است که خوشبختانه کلمه افسستا بالوسیله سه بیته از ادبای قدیم پارسی که در بالا تذکر رفت، به ما رسیده است.

ناگفته نماند کلمه «اوه» که در حالات شگفت و تعجب در زبان های پارسی و پشتو ادا می‌گردد، این کلمه در زبان پشتو به عدد هفت نیز اطلاق می‌گردد که ممکن است کلمه هفت در پارسی و پهلوی و کلمه افسستا در زبان پهلوی از همین ریشه و منبع باشند. البته که کلمه اوه در زبان پشتو از ریشه کلمه «سات» به معنی هفت در زبان هندی خواهد بود با وجودی که این دو کلمه ممکن است هر دو از یک منبع باشند. ازین هم بر می‌آید که مادر زبان پشتو که به‌نظر من مادر زبان های آریایی در این حوزه جغرافیایی و فرهنگی است، در شکل دهی زبان های اوستایی و پهلوی در گذشته، و زبان امروزی پارسی دری نقش به‌سزایی داشته است. جز دوم کلمه اوستا که ستا به معنی ستایش است را نیز نمی‌توان کلمه خالص و پاک پهلوی و یا پارسی قلمداد کرد؛ زیرا این جز در زبان پشتو به هیئت «ستاینه» موجود است و چه بسا که این ریشه نیز با زبان پشتو مشترک و یا از زبان مادر پشتو به زبان پهلوی و باز به پارسی رهیاب گردیده باشد. فرضاً اگر هیئت اولیه اوستا، «اوستا» بوده باشد، پس اصوات اول و دوم حروف این کلمه غرض سهولت در ادا به زیر (فتحه) و زیر (کسره) تغییر نموده و شده است: اوستا. ازین لحاظ نیز می‌توان ادعا نمود که زردشت برخاسته از جامعه اسلاف پشتون های امروزی خواهد بود.

پایان

#### منابع

- ۱ گردش، محمد صالح. ریشه و معنی واژه اوستا. مزارشریف: مطبعه صورتگر، زمان چاپ ۱۳۹۷، صص ۱۴۹-۱۴۰
- نجوانی، محمد بن هندوشاه. صحاح الفرس (فرهنگ لغات فارسی از قرن هشتم هجری) به اهتمام دکتر عبدالعلی طاعتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۲۵۳۵
- گردش، محمد صالح. آریاوچ سرزمین کهن. مزارشریف: مطبعه صورتگر، زمستان ۱۳۹۵ خورشیدی
- گردش، محمد صالح. حافظ، شاعر مداح و طماع. مزارشریف: مطبعه صورتگر، بهار ۱۳۹۶ خورشیدی
- لغت نامه دهخدا
- گردش، محمد صالح. آرامگاه مهر. مزارشریف: مطبعه سید هاشم، ۱۳۸۵
- مری بویس. زردشتیان، باور ها و آداب دینی آنها. ترجمه عسکر بهرامی. تهران: ققنوس، ۱۳۸۱ خورشیدی